

نوهان^۱ - با شخصیت‌های تصنعی و تغزلی، بی‌آنکه دست‌های‌شان پینه بسته باشد و بوی بز نر چوپانان و ویرژیل^۲ را بدهد یا قدم به آشیانه‌ی کوتوله بگذارد، به‌علاوه در طی قرن‌ها در ظلمت‌کده‌ی موزه‌ها؛ یا در جشن و سرور عاشقانه‌ی واتو^۳ و درست در نوعی دیگر از مراسم ساده‌ی آنژلوس^۴ میبیه^۴ - آنهایی که می‌رقصند تا شاه‌نشین‌ها را لبریز از شادی کنند، یا آنهایی که انسان را دعوت می‌کنند تا از کلبه‌های کاهگلی نتیجه‌ی اخلاقی بگیرند. مختصر اینکه در ادبیات جهانی به‌زحمت چنین نمونه‌ای از جهل و بی‌اعتنایی، تحقیر یا فراموشی از «خلقی فراموش شده» می‌توان یافت، این چنین هستند، دهقانان.

«خلقی فراموش شده»، کلامی است از بالزاک که در اهدانامه‌ی اثری یگانه‌اش که تقریباً در این حیطة به‌نام خود به ثبت رسانده است دیده می‌شود. دهقانان بالزاک نه فقط در ادبیات، بلکه هنوز و مخصوصاً در تاریخ به حیات خود ادامه می‌دهد. وانگهی کم‌دی انسانی بررسی ادبی را غنا بخشیده و ترجمانی است دشوار، بالزاک تراز خود بالزاک، که در این داستان بدان معنا می‌بخشد تا حدی به‌کندی و تأمل، با فصل‌های طولانی که به تأنی پیش می‌رود تا از هر دری سخن بگوید، فقری است از الهام یا لااقل کندی گذران قوه‌ی تخیل. وانگهی نویسنده با صداقت معتادش نخستین کسی است که حقایق را شناسایی می‌کند: «بالزاک به مادام

۱. منظور از کاخ‌نشین نوهان Nohan، ژرژ ساند George Sand (۱۸۷۶-۱۸۰۴)، بانوی رمان‌نویس فرانسوی است.

۲. Virgile (۱۹-۷۰ ق.م) شاعر رومی است. آثار اولیه او به تقلید از تئوکریتوس یونانی در ستایش زندگی روستایی و شبانی است. اما مهمترین کتاب وی منظومه‌ی *Enéide* است که حماسه ملی مردم رومی و یک شاهکار ادبی است.

۳. آنتوان واتو Watteau Antoine (۱۷۲۱-۱۶۸۴): نقاش فرانسوی.

۴. ژان فرانسوا مییه Jean François Millet (۱۸۷۵-۱۸۱۴): نقاش فرانسوی. که نقاشی‌هایش از زندگی روستایی شهرت دارد از جمله آنژلوس Angelus.

هانسکا^۱ می‌نویسد: قوه‌ی خیال من، همچون بزهای ماده‌ی بوالهوس که توان خلق کردن ندارند و از حرکت باز می‌مانند و در خواب فرو می‌روند، می‌ماند.» و در ادامه فریاد برمی‌دارد: «من خودم را نخواهم بخشید که زندگی‌ام را در این «دهقانان» «دهقانان نادان» عجین کرده‌ام، که به هر حال به پایان نخواهد رسید. درست است که بالزاک دوباره «شور و شوق»‌اش را باز می‌یابد و به مادام هانسکا می‌نویسد: «دهقانان باید یک شاهکار بشود و یک شاهکار خواهد شد.»

یک شاهکار: آیا به منزله‌ی یکی از شاهکارهای ادبیات است؟ صاحب‌نظران در باره‌اش بحث و گفتگو می‌کنند. مطمئناً به منزله‌ی یکی از شاهکارهای تاریخ است، به‌غیر از یک شاهکار، در هر حال اسناد گرانبایی است: همین‌طور برای توصیف نیمه اول قرن نوزدهم، مفیدتر از این نثر اداری خوشنویسی شده‌ی متملقانه‌ای که به اجبار برای ارضاء خوشنودی اعصار دیگر نوشته شده است، به علت عدم وجود بهتر از آن و در غیبت هر نوع ادبیات دیگری، تغزلی، رمانتیک، رئالیست و هر سبک دیگری تخیلی یا اغراق‌گونه، و این گزارشات اُستانداران، فرمانداران، و وکلای مدافع است که مورد استفاده‌ی محقق تاریخ واقع می‌گردد و تلقی نادرست و مغشوش تاریخی آن را به نقد می‌کشاند، تا اینکه بالزاک و توکوویل^۲، صاحب‌نظر در مباحث تاریخی، مورخ نهادها، اخلاق و آداب، با دیدی انتقادی از آن استفاده کنند. در این دوران است که وزیری در جایی می‌نویسد: «من در پایان صدارت کاونیاک^۳ دیده

۱. Hanska: همسر بالزاک.

۲. الکسی دو توکوویل Alexis de Tocqueville (۱۸۵۹-۱۸۰۵): نویسنده سیاسی فرانسه.

آثار معروف‌اش: «درباره‌ی دموکراسی کشور آمریکا» ۱۸۵۹ «رژیم پیشین و انقلاب» ۱۸۵۰.

۳. لویی اوژن کاونیاک Cavaignac (۱۸۵۷-۱۸۰۲): ژنرال فرانسوی و وزیر جنگ انقلاب ۱۸۴۸.

بودم که چطور یک حکومت می‌تواند با امیدهای واهی، با خوش خدمتی‌های مأموران سودجو به حکومت خود ادامه دهد. من بارها از نزدیک دیدم که چطور این چنین مأمورانی می‌توانند با وحشت روزافزون با آنهایی که آنان را به کار می‌گمارند کار کنند؛ به همین دلیل هم نتیجه‌ی معکوس داده است؛ هر یک از آنها وقتی تصوّر می‌کنند که ما مضطرب هستیم می‌خواهد با فراهم کردن کشف دسیسه‌های تازه و به نوبه خود نشانه‌ی جدیدی از توطئه‌ای که ما را تهدید می‌کند خود را شهره سازد، به‌ویژه آنها به آسانی از موقعیت خطرناک‌مان که گمان می‌کنند بیشتر از موفقیت‌های‌مان است سخن می‌گویند.» همان قدر که با یگانگی‌های اداری، با اطلاعات اولیه و ضروری‌اش و با وجود قدمت‌اش عدم اعتماد ما را برمی‌انگیزاند، همان قدر هم داستان بالزاک اطمینان ما را به خود جلب می‌کند، گواهی توکوویل با تسلط بر حوادث دوران‌اش و همین‌طور شهادت پرودن، پراکنده در اثر پُر عظمت‌اش، عناوینی هستند که فریاد حقیقت سر می‌دهند. بالزاک، توکوویل و پرودن^۱، شاهدان بزرگ نیمه اول قرن نوزدهم و پیشگامان تاریخ روستایی هستند. دانیل هاله‌وی^۲ پژوهشگر مسائل دهقانان مرکز و اندره زیگفرید^۳ پژوهشگر مسائل دهقانان غرب که شاهدان ممتاز دهقانانی هستند که آثارشان برای بررسی جامعه روستایی‌ی پایان قرن نوزدهم و قرن بیستم کاملاً ضروری است و همین‌طور «دهقانان» بالزاک متعلق است به تاریخ روستایی‌ی نیمه اول قرن نوزدهم.

۱. پیر ژوزف پرودان (Pierre Joseph Proudhon) (۱۸۰۹-۱۸۶۵): آنارشیت فرانسوی، یکی از متفکران و صاحب‌نظران در مسائل سیاسی و اقتصادی. نویسنده‌ی «سیستم تناقض اقتصادی یا فلسفه‌ی فقر». نخستین کسی بود که لفظ آنارشی را به کار برد ولی نه به معنای انقلابی آن.

2. Daniel Hlavy

3. André Siegfried

گزارش بالزاک که در سال ۱۸۴۴ (به‌عنوان بخش اول) به چاپ رسید، سندی است تاریخی برای تاریخ‌نگاران. تاریخ‌نگاران به‌طور کلی نسبت به ادبیات روستایی تا حدی بی‌اعتمادند. از جمله‌ی این آثار: ژاکری‌ها^۱، اثر میشله یا زمین، اثر زولا و به‌استثنای چند اثر روستایی دیگر که غیر منصفانه مورد بی‌مهری قرار گرفته است، برای مثال، اثر وان‌دین ژان یول^۲، مورد تحسین دانیل هاله‌وی واقع شده است. اما این سند تاریخی یعنی دهقانان، به تاریخ اعتبار بخشیده است. انقلاب ۱۸۴۸ شک و تردید توکوویل را به ثبوت رساند چرا که پوچی‌ی بخش عظیمی از اسناد اداری، جعل و تحریف احتیاط‌آمیز استانداران بسیار محتاط، و وکلای بسیار متملق را فاش ساخت. البته انقلاب اوضاع و احوال، اغراض و سوداها را به طرزی کاملاً روشن و شگفت‌انگیز برملا می‌سازد، در صورتی‌که بالزاک سال‌ها قبل، آن را پیش‌بینی کرده و به تشریح آن پرداخته بود. به‌عنوان مثال چرا ضارب در آخرین فصل کتاب، حاضر به سوء قصد نمی‌شود و در صحنه‌ای غیر منتظره با شتاب طرح و توطئه را افشاء می‌کند؟ این است دلیل مردی که مأموریت دارد در گوشه‌ای از جنگل، مونکوره را از پای درآورد و سرانجام از اقدام خود صرف‌نظر می‌کند: «ژنرال، این سومین بار است که شما را هدف می‌گیرم، و این سومین بار است که من به شما حیات می‌بخشم... من اشخاصی را که به امپراتور خدمت کرده‌اند دوست دارم، من حاضر نیستم شما را مثل کبک بکشم - از من نپرسید چرا، من حرفی برای گفتن ندارم... البته شما دشمنانی قدرتمندتر از خودتان دارید.» اتفاقاً مردم طبقه‌ی تنگدست این ناحیه به

۱. ژاکری Jacquerie به معنای دهقان شورشی است: در ۲۸ مه ۱۳۵۸ دهقانان ایل-دو-فرانس Il-de-France در نتیجه‌ی تنگدستی برضد نجبا و سربازان تاراجگر شورش کردند، و به‌شدت قصاص شدند. بدین مناسبت این دهقانان را ژاک‌ها Jacques نامیدند.

2. Vendéen Jean Yole